

چهارشنبه 7 تیر 1396

[printpdf](#)
[print](#)

مداحی حماسی میثم مطیعی که با توهین و تخریب جریان خاص مواجه شد

"بیست سی" چیست که تعلیم جهان، از دل ماست / جسم برجام چو روحش به فنا رفت
که رفت / ذوق بیهوده ز برجام خطا بود خطا / رقص شمشیر چو در خیمه دشمن بریاست
سپر انداختن و طعنه به شمشیر خطاست



اشعاری با مضامین موضوعات روز داخلی و خارجی قبل از اقامه نماز عید فطر در مصلاهی تهران قرائت شد.

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی سازمان بسیج پیشکسوتان جهاد و شهادت" به نقل از دانا، قبل از اقامه نماز عید فطر در مصلاهی تهران، اشعاری حماسی و انقلابی از علی محمد مودب، محمد مهدی سیار، میلاد عرفان پور، رضا وحیدزاده خوانده شد که مورد انتقاد و توهین جریان خاص قرار گرفت.

متن کامل اشعار به شرح زیر است:

ای هلالی که تماشای رخت دلخواه است
هله ای ماه! خدای من و تو ای است (1)
روز عید است و قنوت است و دعای من و تو
اهل جود و جبروت است خدای من و تو
کبریا و عظمت چیست؟ ردایش آری
عفو و رحمت نمی از بحر عطایش آری
و له الشکر که یک ماه مرا مهمان کرد
و له الحمد گناهان مرا پنهان کرد
بسته شد پنجره عرش راز رمضان
الوداع ای سحر راز و نیاز رمضان
الوداع ای شب الغوث شب خلصنا
شب قدری که نشد قدر بدانیم تو را
بزم قرآن به سر و بندگی درگاهش
لیلة القدر و نوای «بک یا اللهم»
دم گرفتیم شب گریه به آواز جلی
«بعلی بعلی بعلی بعلی»
دم گرفتیم به ذکری ابدی و ازلی
«بحسین بن علی بحسین بن علی»
سخت دلتنگ توایم ای مه کامل! رمضان!
ای که از همدمی ات نرم شد این دل، رمضان (2)
الوداع ای که لیم را به عطیش خوش کردی
در دلم شوق گنه بود تو خامش کردی
تشنگی را تو چشاندی به من از روی کرم
تا ز یادم نرود تشنگی اهل حرم
یا رب ار هست مرا جرم نخیسیده هنوز
عیدی ام را بده و در گذر از آن امروز
کاش فیض سحر و روزه بماند با ما
نور این طاعت سی روزه بماند با ما
دل ببندیم به شیرینی امساک ای کاش
روزی ما نشود لقمه ناپاک ای کاش
ای خوشا روزه هر روزه چشم و دل و کام

ای خوشا شیوه پرهیز ز شبهه، ز حرام
نگذاریم که آید به سر سفره ما
لقمه دوزخی "رشوه" و زقوم "ربا"
پی هر لقمه مبادا که دهان بکشاییم
ما که پرورده نان و نمک مولاییم

کار و همت همه‌ی رنگ و بوی این خاک است
عرق کارگران آبروی این خاک است
به عمل کار برآید به سخندانی نیست
پینه دست کم از پینه پیشانی نیست
کارگر، گرچه عرق، آب وضویش باشد
عرق شرم مبادا که به رویش باشد
آه از آن دست پر از پینه که حسرت بکشد
پدری کز زن و فرزند خجالت بکشد

ای نشسته صف اول! نکنی خود را گم
پی اقدام تو هستند هنوز این مردم
چند روزی تو مقامی به امانت داری
منصبت را نکند طعمه خود پنداری (3)
راه می جویی اگر، شیوه مولاست دلیل
قصه آهن تفتیده و دستان عقیل
حرف تبعیض در آیین علی هرگز نیست
آهن سرخ گواه است خط قرمز نیست
پلک بر هم مگذارید که فرصت رفته ست
پلک بر هم زدنی فرصت خدمت رفته ست

نه آنیم که آموخته غرب شویم
پی هر وسوسه ای سوخته غرب شویم
سیلی از کوخ نشین، کاخ نشین خواهد خورد
و زمین خوار سرانجام زمین خواهد خورد
"بیست سی" چیست که تعلیم جهان، از دل ماست
هان که جمهوری اسلامی ایران اینجاست
اگر از غرب رسد نسخه، خودش بیماری ست
قرص خواب است ولی چاره ما بیداری ست
تا ابد تربیت از مهر ولی می‌گیریم
مشق از غیرت ابروی علی می‌گیریم
ما بر آنیم که در مکتب او دیده شویم
با علی اصغر و قاسم همه فهمیده شویم
تا ابد سستی تسلیم مبادا با ما
وحشت از حربه تحریم مبادا با ما
باز تحریم جدیدی به سینا رفت که رفت
جسم برجام چو روحش به فنا رفت که رفت
ذوق بیهوده ز برجام خطا بود خطا
تکیه بر عهد عمو سام خطا بود خطا
عهد با دزد سرگردنه بستیم ای دوست
بارها عهد شکست و نشکستیم ای دوست
هر چه می‌شد بُرد از کیسه ما بُرد که بُرد
"بُرد بُرد" این بُود آری همه را بُرد که بُرد
گفته بودند که دشمن به تجارت آمد
پیر ما گفت که البته به غارت آمد
خواب دیدند صلاح از طرف بیگانه است
به خود آیم نجات همه در این خانه است
کارزار است، قدم قاطع و محکم بردار
سخن از صلح بگو، اسلحه را هم بردار!
راه ما راه حسین است و به خون روشن شد
تکیه بر تیغ زد آن دم که جهان دشمن شد
نه به دل راه بده واهمه از اخم عدو
نه دلت غنچ رود باز به لیخندی از او
دل به لیخندش اگر باخته ای، باخته ای!

گر ز اخمش سپر انداخته ای باخته ای!
غم مخور، سست مشو، با صف اعدا بستیز
مژده "لا تهنوا" (4) میرسد از جا برخیز
تا بدانند که هان لشکر احمد ماییم
رزمجویان و دلیران محمد ماییم
ذوالفقار علوی بود برون شد ز نیام
مرحبا، دست مریزاد، سپاه اسلام
ناز شست تو دلاور حسن تهرانی
زنده ای تا به ابد، فاتح این میدانی
هست مدیون تو امنیتمان تا به ابد
هست ممنون تو ایران و جهان تا به ابد
اینکه چون صاعقه آمد به سرت تکفیری
ذوالفقار است که از غرش آن می میری
وقت آن است سر جای خودت بنشین
با دم شیر مکن بازی، بد میبینی!
نوش جان همه تان سیلی شش موشک ما
که صدایش برسد تا به ریاض و حیفا
(شترقیش برسد تا به ریاض و حیفا!)
این قدر بمب نجسیان به کمر ای نامرد!
صبر کن موشک ما منفجرت خواهد کرد
ای ابو جهل که در کشتن خود استادی
خر دجالی و افسار به صهیون دادی
ای سپه روی که از نفت سعود آمده ای
بچه ابلیس که از ناف یهود آمده ای
دشمن از ابلهی اش در طمع خام افتاد
تنشت رسوایی اش اما ز سر بام افتاد
جاهلیت چه سعودی و چه غربی یکجا
گرم رقصند، عجب منظره ای باب هجا
رقص شمشیر چو در خیمه دشمن بریاست
سپر انداختن و طعنه به شمشیر خطاست
آری آرامش ما مرد خطر می طلبید
صبح پیروزی ما خون جگر می طلبید
«می وزد از همه جا بوی گل یاس شهید
از کجا آمده اند این همه عباس شهید
ذوالجناح از نفس اینبار نخواهد افتاد
علم از دست علمدار نخواهد افتاد» (5)
در دفاع از حرم، آینه آن سفاییم
همچو عباس، علمدار ولایت ماییم
این زره پشت ندارد منگر برگردیم
تیغ در دست، به ره، منتظر ناوردیم
قدس ای قبله آغاز که پایان با توست
مهر باطل شدن فتنه شیطان با توست
تو کلید همه گمشدگی ها هستی
قدس ای قدس! تو آزادی دنیا هستی
منشینید به غم شام بلا می گذرد
راه ما از سفر کربلا می گذرد

[دانلود فیلم مداحی حماسی میثم مطیعی](#)

<http://bpsb.ir/node/14068>